

بررسی و تحلیل عملکرد سازمان عفو بین‌الملل در ارتباط با رصد وضعیت حقوق بشر در عربستان

سعودی

جلال میرزایی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان

محمد داوند*

دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

هدف از این مقاله، بررسی عملکرد سازمان عفو بین‌الملل در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی است؛ بنابراین، در این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش هستیم که عملکرد سازمان عفو بین‌الملل در ارتباط با رصد وضعیت حقوق بشر در عربستان چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟ در این راستا، ابتدا مؤلفه‌های سه نسل حقوق بشری تبیین شده، پس از آن با واکاوی عملکرد پادشاهی عربستان در خصوص این مؤلفه‌ها، اقدامات سازمان عفو بین‌الملل در این حوزه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد، تخلفات عربستان در حوزه نسل اول و دوم حقوق بشر نظیر مشارکت سیاسی حداقلی، نبود آزادی بیان و مطبوعات، محدودیت‌های عدیده برای اقلیت‌های اجتماعی، زنان، تضاد طبقاتی و غیره از نگاه سازمان عفو بین‌الملل به دور نمانده است، اما در گزارش‌های این سازمان طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲، نشانه‌ای از توجه به مؤلفه‌های نسل سوم حقوق بشر مانند ارتباط با تروریسم بین‌المللی، مخالفت با روند دموکراتیزاسیون در خاورمیانه، ترویج سلفی‌گرایی و غیره توسط عربستان دیده نمی‌شود؛ بنابراین، فرضیه اصلی تحقیق حاضر بر این مبنا استوار است که بررسی‌های عفو بین‌الملل در ارتباط با عربستان سعودی، اصول و موازین نسل سوم حقوق بشر را مورد توجه قرار نداده است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، عربستان سعودی، سازمان عفو بین‌الملل، نسل سوم حقوق بشر.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱/۲۵

۱. مقدمه

عربستان سعودی بیش از ۲۸ میلیون نفر جمعیت دارد که حدود ۵,۵ میلیون نفر از این جمعیت را مهاجران تشکیل می‌دهند. اکثریت این مهاجران از جنوب و جنوب شرقی آسیا هستند. اقتصاد این کشور مبتنی بر نفت است و ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی آن از عواید نفت خام حاصل می‌شود. (Cia World Fact Book, 2008) در عربستان سعودی در رأس حکومت پادشاه قرار دارد و به همین دلیل وجود هر روند دموکراتیکی که از طریق آن مردم بتوانند حکومت را انتخاب کنند، با مشکلاتی مواجه است. در واقع قانون با حکم پادشاه وضع می‌شود. (Human Rights Watch, 2007) و از همین رو، این کشور واجد رژیم اقتدارگراست که با تکیه بر سیاست چماق و هویج (السيف أو المنسف)، توانسته است سلطه خود را ابقا و تحکیم کند. در رژیم‌های اقتدارگرا، به دلیل آنکه سازوکار نهادینه شده‌ای برای انتقال قدرت وجود ندارد و سازگاری با تحولات داخلی و خارجی برای رژیم ایستا اغلب دشوار و حتی غیرممکن است. چنین رژیمی همواره از درجه امنیت به تحولات می‌نگرد و در تعامل با چالش‌های آن، از ابزارهای امنیتی بهره می‌جوید. البته در کنار ابزارهای امنیتی از مشوق‌هایی برای غلبه بر چالش‌ها استفاده می‌کند. عربستان از رانت نفت در کنار سرکوب برای غلبه بر چالش‌های داخلی و خارجی نیز بهره می‌گیرد. (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۷۳) در مجموع، تا زمانی که عربستان از یک نظام یکپارچه قانونی برخوردار نیست، با چالش‌های اساسی در زمینه حقوق بشر روبرو است. این یک مسئله اساسی است که متناوباً از سوی هیئت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مطرح می‌شود. (Human Rights Watch, 2008) در حال حاضر حقوق مدنی و سیاسی مردم در عربستان سعودی به نحو فزاینده‌ای نقض می‌شود. قوانین در مورد حقوق زنان در عربستان طوری پایه‌ریزی شده است که در آن زنان از کمترین مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برخوردارند. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی همواره نسبت به وضعیت زندانیان سیاسی هشدار می‌دهند و خفقان موجود و نبود آزادی بیان در عربستان را می‌توان پایه و اساس نقض دیگر حقوق مردم این کشور به شمار آورد. بازداشت خودسرانه افراد و فعالان عرصه سیاسی و اجتماعی را باید مورد دیگر از نقض حقوق بشر در عربستان ذکر کرد که در این ارتباط تاکنون شمار زیادی بازداشت و بدون دسترسی به وکیل یا سیر مراحل قانونی در زندان بسر می‌برند.

دکتر محمد فهد القحطانی رئیس جمعیت حقوق مدنی و سیاسی عربستان در ارتباط با اصلاح وضعیت حقوق بشر در این کشور معتقد است: متأسفانه عربستان نمونه‌ای برای نقض حقوق بشر در جهان شده است و بسیاری در جهان در زمینه نقض حقوق بشر از عربستان سخن می‌گویند. (سیر نیوز، ۱۴/۰۲/۱۳۹۲) با این اوصاف در عرصه بین‌المللی و در چهارچوب معاهدات حقوق

بشری و تعهداتی که دولت‌ها در این زمینه متقبل شده‌اند، اعضای جامعه بین‌المللی می‌توانند از عملکرد دولت‌های ناقص حقوق بشر در شورای حقوق بشر و دیگر سازوکارهای تخصصی حقوق بشری شاکی شده و به وضعیت آسیب‌دیدگان مطابق با موازین بین‌المللی رسیدگی کنند، اما به نظر می‌رسد که دولت‌های عضو به‌ویژه دولت‌های مدعی حمایت از حقوق بشر (امریکا و اروپا) با توجه به انواع روابط گسترده سیاسی- اقتصادی، نه تنها از سازوکارهای بین‌المللی برای فشار به حکومت عربستان در این راستا استفاده نمی‌کنند، بلکه حتی اقدامات این کشور را در صحنه داخلی و بین‌المللی نادیده می‌گیرند، اما در این میان برخی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مدافع حقوق بشر از این ملاحظات سیاسی به دور بوده‌اند و با آزادی بیشتری نسبت به بررسی و تحلیل وضعیت حقوق بشر در عربستان و اطلاع آن به جامعه بین‌المللی، اقدام کرده‌اند. با این فرض در این مقاله سعی شده ضمن توصیف وضعیت حقوق بشر در عربستان (بر اساس مبانی مفهومی سه نسل حقوق بشر) عملکرد سازمان عفو بین‌الملل در رصد اوضاع حقوق بشر در عربستان مورد بررسی قرار گیرد و سپس کاستی‌ها و نواقص بررسی‌های انجام‌شده از سوی این سازمان مشخص شود؛ بنابراین، پرسش‌های اصلی که در این نوشتار در پی پاسخ به آن‌ها هستیم عبارت‌اند از اینکه اولاً، وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی بر پایه مبانی نظری سه نسل حقوق بشر چگونه است؟ و ثانیاً، آیا سازمان عفو بین‌الملل تمامی ابعاد و اضلاع نقض حقوق بشر در عربستان سعودی را تحلیل و بررسی کرده است؟ نوع تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است و شیوه تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز شیوه تحلیل کیفی است. در ضمن، باید خاطر نشان کرد به دلیل نبود یک اثر جامع و مانع دسته دوم در این زمینه، نویسنده مجبور به استفاده از آثار دسته اول مانند گزارش‌ها و اسناد شده است.

۲. نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر و وضعیت حقوق بشر در عربستان

نسل اول حقوق بشر مربوط به آزادی و دربردارنده حقوق مدنی و سیاسی است که از افراد در مقابل قدرت دولت‌ها محافظت می‌کند. این حقوق در درجه اول مربوط به افراد می‌شوند، اما در برخی موارد به صورت جمعی (از قبیل آزادی تشکل و حق تجمعات) نیز بیان می‌شوند. حقوق مدنی و سیاسی عبارت‌اند از آزادی اندیشه و وجدان، آزادی بیان و مذهب، حق مشارکت در جامعه مدنی و سیاست و حفاظت از ممنوعیت تبعیض در جامعه و غیره. نسل دوم حقوق بشر شامل حقوقی است که برابری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در جامعه تضمین می‌کند. این حقوق شامل شرایط کار مساوی، حق امنیت اجتماعی، حق مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پرورش و بیمه بیکاری برای آحاد جامعه هستند که باید دولت‌ها آن‌ها را ایجاد و حفاظت کنند. (Rezai, 1998:2) نسل سوم حقوق بشر، نسلی که در اواخر قرن بیستم بروز و ظهور پیدا کرد گرچه هیچ سند الزام‌آوری برای آن وجود ندارد و اسناد مربوط به آن از حد قطعنامه و اعلامیه

فراتر نرفته است، اما کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی را چنان به خود مشغول کرده که شعار نامزدهای انتخاباتی آنان دیگر تحقق حقوق نسل اول و دوم نیست و از آن فراتر رفته است. در برخی از آن کشورها حتی احزاب بر اساس حقوق نسل سوم صف‌بندی می‌شوند و شعارها حول حق محیط‌زیست سالم و حق توسعه پایدار است. حق توسعه، حق صلح، حق محیط‌زیست سالم، حق بر ارتباطات، میراث مشترک بشریت (شامل منابع زمینی، دریایی و هوایی)، حق ارتباطات و کمک‌های بشردوستانه (بدون در نظر گرفتن اهداف سیاسی)، حق تعیین سرنوشت، حق مردمان بومی و غیره از جمله حقوق نسل سوم هستند. (باقی، ۱۳۸۹: ۱-۳)

۲-۱. عملکرد نظام سیاسی عربستان در قبال نسل اول حقوق بشر

الف. وضعیت احزاب و مشارکت سیاسی

هیچ‌حزب یا سازمان سیاسی قانونی در عربستان سعودی وجود ندارد، ولی برخی گروه‌های سیاسی یا بنیادگرای اسلامی به شکل زیرزمینی در خارج و داخل کشور فعال هستند. از آن جمله‌اند: حزب کمونیست عربستان سعودی (به عنوان یک حزب غیر پویا و صرفاً عقیدتی)، حزب التحریر الجزیره (رهبری شیعی)، الاخوان، جماعه المسجد، و جماعه الدعوه. (اسدی، ۱۳۹۰: ۲۶۳)

به همین ترتیب هیچ‌انتخابات دموکراتیکی در عربستان در سطح ملی برگزار نمی‌شود. انتخابات شهرداری‌ها برای اولین بار در بهار سال ۲۰۰۵ در مقیاس سراسر کشور برگزار شد. با این حال زنان، از این انتخابات محروم شدند و تنها نیمی از اعضای شوراهای شهری به وسیله رأی مردم انتخاب شدند. همان‌طور که هیچ‌مقام انتخابی رسمی در سطح ملی وجود ندارد، به همان ترتیب نظارت و تأثیر بر مقامات رسمی عربستان از هیچ‌کانال مشخص و قانونی به صورت دموکراتیک امکان‌پذیر نیست. به همین منوال فعالیت احزاب و اتحادیه‌ها ممکن نیست و انجمن‌های رسمی نیاز به دستور سلطنتی برای به دست آوردن مجوز دارند. رژیم به برخی از فعالیت‌های جامعه مدنی از سال ۲۰۰۳ مجوز اعطا کرده است. با اینکه در ذیل بخش داوطلبانه و مدنی، فعالیت‌ها از پایین به بالا بوده است و برخی از موضوعات حساس اجتماعی در دستور کار قرار گرفته‌اند، اما هیچ‌کدام از آن‌ها به حمایت سیاسی باز (ملی) منجر نشده است. (Bertelsmann Stiftung's transformation index, 2012: 7)

ب. وضعیت اقلیت‌ها، آزادی بیان و مطبوعات

با قدرت گرفتن وهابیت در عربستان سعودی، تبعیض علیه اقلیت‌ها به‌ویژه شیعیان که ۲۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، رسمیت یافت. تبعیض مذهبی و شغلی و حتی تحصیلی علیه شیعیان همواره مورد اعتراض نهادهای حقوق بشری بوده است. از این رو، رژیم سعودی بستن مساجد و حسینیه‌های شیعیان در مناطق احساء القطیف و نجران را در دستور کار قرار داده است. شیعیانی نیز که در خارج از این مناطق حضور دارند، با محدودیت‌های بسیار شدیدتری مواجه هستند. افزون بر این شهروندان شیعی در حوزه آموزش و پرورش از سوی آل سعود تحت تبعیض هستند و با محدودیت آموزشی و توسعه امکانات دولتی روبرو شده‌اند. ضعف نهادهای آموزشی برای شیعیان سبب شده تا حضور این گروه مذهبی در سطوح عالی آموزشی بسیار کم‌رنگ شود. وجود مواد مغایر با عقاید مذهب شیعه در کتب درسی نظام آموزشی عربستان موجب بروز تنش در مدارس و تقویت رفتارهای افراطی علیه دانش‌آموزان شیعه می‌شود. (حمیدی، ۱۳۹۱/۳/۳۰)

نظام سعودی محدودیت‌ها و موانع بسیار زیادی را برای آزادی بیان و مطبوعات وضع می‌کند. دولت مالکیت پخش و نشر محصولات رسانه‌ای را در اختیار دارد که به سانسور شدید منجر می‌شود. در این شرایط نیاز به آشکار کردن اقدامات دولت برای مانع‌تراشی برای آزادی بیان به حداقل ممکن می‌رسد. به هر حال، دولت عربستان تنها به سانسور رسانه‌های اجتماعی و دنیای اینترنت اکتفا نمی‌کند و برای کنترل اطلاعات به مسدود کردن پایگاه‌های اینترنتی خاص نیز مبادرت می‌ورزد. در بسیاری از مواقع، مقامات رسمی و کارمندان ارشد دولت عربستان به عموم مردم درباره عدم صحت برخی از گزارش‌های موجود در اینترنت هشدار می‌دهند و به آن‌ها گوشزد می‌کنند که انتقادات وارده به نظام سیاسی و دولت نباید از طریق کانال‌های شخصی در دسترس باشد. دولت صاحب بیشتر رسانه‌های خبری و امکانات مربوط به چاپ کتاب در سراسر کشور است و اعضای خانواده سلطنتی بیشتر رسانه‌های تأثیرگذار را که اسماً مستقل هستند، مانند روزنامه‌های پان عرب از قبیل الشرق الاوسط و الحیاه را در اختیار دارند. به همین منوال حکومت بیشتر برنامه‌های داخلی و خارجی رادیو و تلویزیون را تولید، اجرا و سانسور می‌کند. (Country Reports on Human Rights Practices, 2011)

ب. زندانیان سیاسی

سازمان‌های حقوقی همیشه نسبت به شکنجه شدید در زندان‌های عربستان انتقاد کرده‌اند و اعلام داشته‌اند که تعداد زیادی از زندانیان به دلیل شکنجه‌ها کشته شده‌اند و برخی دچار بیماری‌های روانی و نقص عضو شده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی پیش از این اعلام کرده بودند که بیش از ۳۰ هزار نفر در عربستان توسط حکومت این کشور بر اساس اتهامات سیاسی زندانی

هستند. (بهمنیان، ۱۳۹۱/۸/۲) بعلاوه، همزمان با راه افتادن موج اعتراض‌ها در عربستان، مقام‌های ریاض بر سخت‌گیری‌های خود علیه مردم این کشور و معترضان افزوده‌اند. اکنون نیز که بیش از چندی است که از آغاز قیام‌های مردمی در عربستان می‌گذرد، سیاست مبتنی بر سرکوب، خشونت و زندانی کردن معترضان، شکل علنی‌تری به خود گرفته است. محسن بهسنی، فعال حقوقی مصری، می‌گوید، در عربستان نقض حقوق زندانیان از مرحله بازداشت آغاز می‌شود. وی تصریح می‌کند که زندانیان سیاسی در عربستان مداوم با نقض حقوق اساسی خود روبرو هستند و این وضع به گونه‌ای است که می‌توان گفت در عربستان نقض حقوق بشر و حقوق زندانیان، کاملاً برنامه‌ریزی شده است. (پایگاه خبری رادیو ایران - ازبکستان، ۱۳۹۱/۰۹/۲۸)

۲-۲. عملکرد نظام سیاسی عربستان در قبال نسل دوم حقوق بشر الف. وضعیت زنان

زنان به شدت از لحاظ قانونی در نظام پادشاهی عربستان با تبعیض دست و پنجه نرم می‌کنند. پیامد این تبعیضات قانونی در سراسر مراحل زندگی آنان مانند آموزش، وضعیت شغلی و خانواده محسوس است. زنان ۱۰ درصد نیروی کار این کشور را تشکیل می‌دهند (پایین‌ترین میزان در جهان) بسیاری از آنان در شرایط شغلی با محدودیت‌های عدیده‌ای، روبرو هستند. تمامی نهادهای دولتی و خصوصی از لحاظ جنسیتی تفکیک شده‌اند (مدارس، بیمارستان‌ها و رستوران‌ها). همچنین زنان نمی‌توانند در هیچ‌شرایطی به وسیله پزشکان مرد معاینه شوند، به خارج از کشور مسافرت کنند یا بدون اجازه شوهر از خانه خارج شوند و حتی اجازه رانندگی نیز ندارند. (The Equal Rights Trust's Saudi (Arabia Country Overview, 2008) رهبران سعودی هر گونه فعالیت‌های مدنی را ممنوع کرده‌اند و فعالانی که می‌کوشند با به چالش کشیدن مصادیق تبعیض جنسیتی، حقوق زنان را مطالبه و احیا کنند، تحت بازجویی‌های شدید قرار می‌دهند و حتی آن‌ها را بازداشت می‌کنند. به عنوان مثال، خانم منال شریف که کمپینی را برای برداشتن تحریم‌ها سازمان داده بود، در ژانویه سال ۲۰۱۰ به ۹ روز زندان محکوم شد، یا شیما جاستینه که در حال رانندگی در شهر جده دستگیر شد، به مجازات ۱۰ ضربه شلاق محکوم شد. (عبداللهی فرد، ۱۳۹۰/۱۲/۱۶)

ب. تضاد طبقاتی و فساد دولتی

بر اساس گزارش بانک جهانی عربستان سعودی در زمره کشورهای «بالاتر از درآمد متوسط» است قرار دارد، از این رو انتظار می‌رود که مردم در پادشاهی عربستان از

زندگی استاندارد برخوردار باشند. (Millennium Development Indicators, 2008) اما علی‌الیامی، مسئول سازمان حقوق بشر و دموکراسی، برای عربستان می‌گوید: «درآمد مردم عربستان ناکافی است و مردم قادر به تأمین نیازهای روزانه خود از جمله مواد غذایی نیستند.» (Alalam News Network, 2013) این در حالی است که بیش از ۹۰ درصد عایدات نفت بین شاهزادگان سعودی تقسیم می‌شود و هر شاهزاده سعودی از بدو تولد صاحب مقرری می‌شود که در واقع سهم شدن در درآمدهای نفتی است. شاهزاده‌های سعودی به محض تولد بخشی از درآمد نفت این کشور را به خود اختصاص می‌دهند و میزان این درآمد و تملک درآمد بستگی به دوری و نزدیکی به کانون و هسته اولیه اصلی خاندان سلطنتی دارد. (پایگاه تحلیلی و خبری مرصوص، ۱۳۹۱/۳/۲۴)

در همین ارتباط رسی بشیر یکی از دانش‌پژوهان عربستانی که در زمینه توسعه و فقر تألیفات بسیاری داشته است می‌نویسد: دولت به بهترین شکل فقر را در این کشور پنهان می‌کند و نخبگان رنج مردم فقیر را انکار می‌کنند. دولت عربستان سعودی آمار نادرستی از شهروندان فقیر منتشر می‌کند، اما گزارش‌های مطبوعات حاکی از آن است که بین ۲ تا ۴ میلیون از مردم عربستان زیر خط فقر قرار دارند و در آمد ماهیانه آن‌ها زیر ۵۳۰ دلار است. (حدود ۱۷ دلار در روز برای خط فقر در نظر گرفته شده است) این در حالی است که فقر و خشم بیش از پیش رو به فزونی است. بر طبق تحلیل دانش‌پژوهان امریکایی و عربستانی خانواده‌های سلطنتی مبالغ بسیار زیادی پول و فرصت‌های اقتصادی را از طریق دادن شغل و امتیازات غیرعادلانه به خویشاوندان و انعقاد قراردادهای دنج با دولت از بین می‌برند. بشیر می‌افزاید برخی از خانواده‌های سلطنتی از طریق طرح‌های فاسد، از جمله مصادره زمین‌های مالکان فقیر و فروش آن‌ها به قیمت‌های گزاف به دولت، اقدام به غنی‌سازی خود می‌کنند. (Sullivan, 2011)

پ. شرایط کارگران خارجی

در عربستان سعودی بیش از ۵۰ درصد نیروی کار این کشور از کارگران خارجی تشکیل می‌شود. برای این کارگران، کار کردن در عربستان یک فرصت مناسب برای گریز از فقر و تصور یک آینده بهتر برای خود و بستگان‌شان است. در عربستان سعودی کارگران خارجی همچون دیگر کشورهای خلیج فارس تحت نظام کفالت به کار گرفته می‌شوند. کارگران از طریق دعوت- نامه کارفرمایان به عربستان می‌آیند و اقامت آن‌ها مشروط به عقد قرارداد با کارفرما می‌شود. در نظام کفالت کارگر به طور کامل در اختیار کارفرما است و شرایطی فراهم می‌شود که در آن کارفرما می‌تواند برای فشار بر کارگر مطالبات به حق آن‌ها را مانند حقوق ماهیانه نادیده بگیرد یا شرایط کار را برخلاف موارد مشخص شده در قرارداد به صورت یک‌طرفه به کارگر تحمیل کند. همچنین کارگران ممکن است به انجام کارهایی غیر از آنچه به خاطرش استخدام شده‌اند یا

به پذیرفتن پول کمتر از آنچه در قرارداد ثبت شده، وادار شوند. در بسیاری از اوقات کارفرمایان از پرداخت حقوق چند ماه یا حتی سال‌های مدید آن‌ها امتناع می‌ورزند. (FDIH,2003:2-3)

به گزارش سازمان غیردولتی دیده‌بان حقوق بشر، بیش از ۸ میلیون کارگر خارجی در عربستان در بسیاری از مواقع از سوءاستفاده‌ها و بهره‌کشی‌های مختلف رنج می‌برند، که گاهی شرایط آن‌ها به شرایط بردگی می‌ماند. همچنین حدود ۱,۵ میلیون کارگر مهاجر از قانون کار سال ۲۰۰۵ محروم شده باقی مانده‌اند. در ضمن، به روال سال‌های گذشته، سفارت‌خانه‌های آسیایی هزاران شکایت از کارگران خانگی که مجبور به کار تا ۱۵ الی ۲۰ ساعت در روز و سراسر هفته هستند، دریافت می‌کنند. کارگران خانگی که اکثر آن‌ها زن هستند، اغلب اوقات به تحمل حبس و محرومیت از غذا مجبور می‌شوند و مورد سوءاستفاده شدید جسمی، جنسی و روانی قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه، در نوامبر سال ۲۰۱۰ مقامات سعودی در آب‌های جنوب عربستان، حکم ۳ سال زندانی برای یک کارفرمای سعودی که کارگر ۳۶ ساله اندونزیایی خود را به نام کی کیم کومالاساری مورد ضرب و شتم شدید قرار داده بود و آثارش بر روی بدن او ثبت شده بود، لغو کردند. (Human Rights Watch,2012)

۲-۳. عملکرد نظام سیاسی عربستان در قبال نسل سوم حقوق بشر الف. شرایط سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در عربستان

در عربستان سعودی تمامی سازمان‌های غیردولتی توسط دولت به انحاء متفاوتی تحت کنترل هستند و از استقلال کامل برخوردار نیستند. بسیاری از مقامات رسمی با توجه به زمینه کاری خود بر این سازمان‌ها نظارت می‌کنند و هیچ‌قانون عام و یکپارچه‌ای برای آنان موجود نیست. مقامات سعودی در روند انتخاب اعضای هیئت‌مدیره این سازمان‌ها از طریق دست‌چین کردن مدیران قبل از انتخابات، دخالت می‌کنند و همچنین بر حساب‌های مالی سازمان‌های مزبور و تعهد آن‌ها به آیین‌نامه‌ها و مقرراتشان، نظارت می‌کنند. سازمان‌های غیردولتی فعال در عربستان در این گروه‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند: اتاق‌های بازرگانی، صندوق‌های خیریه، انجمن‌های حرفه-ای و تخصصی، کمیته‌های حقوقی کارگری، مؤسسات و تشکل‌های دینی و مذهبی. به طور کلی موانع ساختاری پیش روی این سازمان‌ها عبارت‌اند از: موانع موجود برای ثبت موجودیت، موانع در انجام فعالیت‌ها، نبود آزادی بیان، موانع زیاد در مشارکت با سازمان‌های بین‌المللی و مشکلات مالی. (EU- GCC Civil Society (Conference,2008)

بنابراین، هیچ‌سازمان غیردولتی حقوق بشری به طور مستقیم در عربستان سعودی به ثبت نرسیده است. به عنوان مثال، سازمان بین‌المللی غیردولتی «اولین جامعه حقوق بشر» عربستان سعودی از سال ۲۰۰۲ هرگز موفق به اخذ مجوز نشده است. به همین ترتیب انجمن حقوق سیاسی و مدنی سعودی از سال ۲۰۰۹ ناکام از کسب مجوز بوده است. همچنین کارکنان برخی

از این سازمان‌ها به شکل خودسرانه دستگیر و روانه زندان می‌شوند. در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ چندین مدافع فعال حقوق اقلیت شیعه در عربستان بازداشت و ظالمانه به زندان منتقل شدند. به عنوان نمونه، آقای شیخ مخلف بن دهام الشماری، نویسنده و مدافع حقوق اقلیت‌ها، در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۰ دستگیر و به دلیل حمایت از حقوق اقلیت شیعه به ایستگاه پلیس خبر تحویل داده شد و طبق گزارش تا اواخر آوریل ۲۰۱۱ در زندان دمام محبوس بود. (Observatory for the Protection of Human Rights Defenders, 2011)

ب. ارتباط عربستان با تروریسم بین‌المللی

دوچهارم در گزارشی در سال ۲۰۱۲، عربستان سعودی را بزرگترین حمایت‌کننده مالی تروریست‌ها در دنیا معرفی کرد و عنوان داشت: عربستان سعودی می‌خواهد یک شریک مطمئن برای غرب باشد، این در حالی است که هیچ‌کشور دیگری به اندازه عربستان کمک‌های مالی در اختیار تروریست‌های اسلام‌گرای افراطی قرار نمی‌دهد و در ضمن، در این کشور هیچ توجهی به حقوق بشر نمی‌شود. برخی از سعودی‌ها به دلایل مذهبی از تروریست‌های افراطی حمایت می‌کنند. همچنین براساس یک گزارش از وزارت امور خارجه امریکا که در ویکی‌لیکس منتشر شده است، سازمان‌های تروریستی از جمله القاعده از هیچ‌کشوری به اندازه عربستان سعودی پول دریافت نمی‌کنند. (روزنامه رسالت، ۱۳۹۱/۱۱/۲۴) برای دقت نظر بیشتر در نقش عربستان سعودی در تقویت سازمان‌های تروریستی در جهان به اختصار به بخشی از این فعالیت‌ها اشاره می‌کنیم.

یمن: دخالت عربستان سعودی در یمن به قبل از انقلاب مردمی در این کشور بازمی‌گردد، یعنی زمانی که ارتش عربستان سعودی در سرکوب شیعیان الحوثی کمک‌های نامحدودی را به دولت استبدادی علی عبدالله صالح در این کشور ارائه می‌کرد. این حمایت‌ها بعضاً به دخالت مستقیم و موشک‌باران مواضع حوثی‌ها از سوی ارتش عربستان نیز منجر می‌شد. با آغاز انقلاب مردمی در یمن، عربستان که از سرایت این انقلاب به کشور خود واهمه داشت، با همکاری امریکا وارد خط دور زدن انقلاب شد و به بهانه مبارزه با تروریسم تا حد زیادی موفق به ناکارآمد کردن این انقلاب نیز شد؛ بنابراین، آنچه در روند مهار انقلاب یمن مشاهده شد، تلاش‌های سعودی- غربی با همراهی برخی گروه‌های داخلی برای منحرف کردن روند این انقلاب و سپردن آن به دست افرادی وابسته بود. از دیگر محورهایی که عربستان هم اکنون نیز برای مقابله با انقلاب یمن از آن استفاده می‌کند، تلاش برای ایجاد جنگ داخلی و زنده نگه‌داشتن موضوع تروریسم و استفاده کردن از آن به عنوان چماق بر سر انقلابیون این کشور است. ریاض در این راستا با چراغ سبز به سازمان القاعده، این سازمان تروریستی را به تحرک

در بخش‌های داخلی یمن واداشت. بعد دیگر این فعالیت‌ها دخالت در امور داخلی دولت این کشور به بهانه مبارزه با همین گروه‌های تروریستی است.

پاکستان و افغانستان: ظهور سلفی‌گری در افغانستان با پول‌های هنگفتی که عربستان هزینه می‌کند رواج بیشتری گرفته است. عربستان پیش‌تر این سیاست را در پاکستان به اجرا گذاشت که با موفقیت چشم‌گیری روبرو شد، به طوری که نیروهای القاعده از آن سرچشمه گرفتند. این دو کشور به علت سابقه طولانی در ناامنی و هرج و مرج و نفوذ مدارس دینی وهابی و حضور سازمان‌هایی نظیر القاعده و طالبان در آن، مرکزیت فعالیت‌های تروریستی عربستان را به خود اختصاص داده‌اند. گفته می‌شود بیش از ۳ میلیون محصل وهابی در پاکستان و صدها هزار محصل در افغانستان مشغول تحصیل در مدارس وهابی وابسته به سعودی‌ها هستند. در همین راستا «دایی الحق عابد»، وزیر امور مذهبی و حج افغانستان، به تازگی از تأسیس یک مرکز اسلامی به نام ملک عبدالله، پادشاه عربستان، در کابل توسط عربستان سعودی خبر داد و گفت: هزینه احداث این مرکز یک‌صد میلیون دلار برآورد شده و قرار است در مرکز کابل با ظرفیت پذیرش پنج هزار دانشجو تأسیس شود. (پایگاه اینترنتی پرسمان دانشجویی، ۱۳۹۳)

پ. مخالفت عربستان با روند دموکراتیزاسیون در خاورمیانه

عربستان پس از گذار از خطر فوری قیام داخلی، به ترسیم سیاستی برای رویارویی با پیامدهای قیام‌های جهان عرب پرداخت. این سیاست که با هماهنگی و همگامی پادشاهی‌های عرب خلیج فارس پیش می‌رود، یادآور کنسرت اروپا در سده نوزده است که برای رویارویی با قیام‌های مردمی طراحی شده بود. بدین ترتیب به تدریج شاکله اصلی استراتژی سعودی در مقابل خواست ملت‌های عرب در خاورمیانه نمایان شد؛ استراتژی‌ای که اقتدارگرایی را در برابر آزادی‌خواهی قرار می‌دهد. از این حیث، مورد قیام مردمی بحرین که تاکنون با دخالت مستقیم عربستان راه به جایی نبرده است، مثال زدنی است. بحرین در محور نخست جهان‌بینی سیاسی سعودی قرار دارد و از جمله فوری‌ترین مسائل سیاست خارجی عربستان، حفظ امنیت و ثبات در این کشور پادشاهی است، زیرا افزون بر قرار داشتن در محور نخست چیدمان سیاست خارجی امنیت‌محور عربستان، از جمله کشورهای شورای همکاری است که از نظر امنیتی کاملاً به ریاض وابسته است. برای ریاض امنیت و ثبات در بحرین از جنبه‌های متعددی حائز اهمیت است. پشتیبانی از رژیم حاکم بر بحرین به معنای حمایت از تمامی پادشاهی‌های خلیج فارس، فرستادن پیامی روشن به جمعیت شیعی خویش و مهار نفوذ ایران در خلیج فارس است. در این راستا برای سرکوب قیام مردم بحرین نیروهای عربستان و امارات، زیر چتر شورای همکاری خلیج فارس، وارد بحرین شده و به سرکوب معترضان پرداختند.

(احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۸۶-۸۹)

از زمانی که نظامیان سعودی و سایر نظامیان سپر جزیره وارد بحرین شدند، ابعاد نقض حقوق بشر در بحرین به مقیاس زیادی گسترش یافت. بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و بهداشتی مورد هجوم قرار گرفتند، احکام اعدام در مورد زندانیان سیاسی صادر شد، پزشکان و پرستاران به اتهام کمک به مجروحانی که در تظاهرات زخمی شده‌اند، دستگیر، بازداشت و محاکمه شدند. ریاست مرکز حقوق بشر بحرین با خشونت دستگیر و فیلم صحنه دستگیری و ضرب و جرح وی در شبکه جهانی اینترنت منتشر شد. فعالیت احزاب بحرینی از جمله دو حزب مخالف ممنوع و روزنامه‌های مستقل توقیف شدند. همه این رویدادها با حضور نیروهای نظامی سپر جزیره در بحرین، حکایت از این دارد که نیروهای سپر جزیره به‌خصوص نظامیان عربستانی نه برای کمک به استقلال و حاکمیت بحرین، بلکه برای سرکوب نهضت‌های آزادی‌خواهی مردم عازم این کشور شده‌اند.
(بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۹)

۳. عفو بین‌الملل و وضعیت حقوق بشر در عربستان

عفو بین‌الملل به وسیله یک وکیل انگلیسی به نام پیتربنسون در جولای ۱۹۶۱ در شهر لندن پایه‌گذاری شد. در میانه دهه ۱۹۶۰ حضور جهانی عفو بین‌الملل رو به رشد بود و دبیرخانه بین‌المللی و کمیته اجرایی بین‌المللی برای مدیریت سازمان‌های ملی عفو بین‌الملل - که section نامیده می‌شد و در چندین کشور ایجاد شده بود - تأسیس شد. این نهضت بین‌المللی برای توافق بر سر اصول و تکنیک‌های بنیادین خود شروع به کار کرد. هدایت عفو بین‌الملل در دهه ۱۹۷۰ در دست سین مک براید و مارتین انالس قرار داشت. هنگام کار برای زندانیان عقیدتی، دامنه شمول موضوعات پیگیر توسط سازمان به مسائلی چون محاکمات عادلانه و مخالفت با بازداشت طولانی مدت بدون محاکمه (ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر)، و به‌ویژه شکنجه زندانیان (ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر) گسترش یافت. عفو بین‌الملل معتقد بود که دلایل اساسی حکومت‌ها برای شکنجه زندانیان، کسب اطلاعات یا سرکوب مخالفت به وسیله استفاده از ترور یا هر دو است. سراسر دهه ۱۹۹۰ عفو بین‌الملل با هدایت دبیر کل سنگالی خود پیر سین به افزایش تعداد اعضای خود به ۲/۲ میلیون نفر در ۱۵۰ کشور و منطقه ادامه داد. عفو بین‌الملل به کار بر روی طیف وسیعی از موضوعات و وقایع جهانی ادامه داد. عفو بین‌الملل به طور ویژه توجه خود را به تجاوزات صورت گرفته در حق گروه‌های خاص شامل: پناهندگان، اقلیت‌های نژادی، قومی و مذهبی؛ زنان و کسانی که اعدام شدند یا در ردیف مرگ قرار داشتند، معطوف کرد. (شهوند، ۱۳۸۹/۳/۳)

برای پیش بردن این اهداف، عفو بین‌الملل چندین تکنیک را برای اطلاع‌رسانی عمومی و بسیج افکار عمومی توسعه داده است. سازمان به انتشار گزارش‌های بی‌طرفانه و دقیق رسیدگی

می‌کند. گزارش‌ها از طریق مصاحبه با زندانیان و دیگر زیان‌دیدگان و دیگر کسانی که حقوقشان نقض شده و نمایندگان آن‌ها، بازماندگان و خانواده‌های کسانی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، وکلا و روزنامه‌نگاران، پناهندگان، دیپلمات‌ها، گروه‌های مذهبی و انجمن‌های کارگری، آژانس-های بشردوستانه و دیگر سازمان‌ها و مدافعان حقوق بشر، مصاحبه با مقامات رسمی، نظارت بر جریان محاکمات، کار با فعالان محلی حقوق بشر و دیدبانی رسانه‌های گروهی به دست می‌آید. (شهنود، ۱۳۸۹/۳/۳)

عفو بین‌الملل سالانه گزارش‌هایی را درباره وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف دنیا از جمله کشورهای اروپایی و امریکایی منتشر می‌کند. در زیر، ضمن اشاره به خلاصه چند گزارش این سازمان در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در عربستان، سعی می‌شود (با در نظر داشت اصول بنیادین نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر)، نقاط قوت و کاستی‌های بررسی‌های انجام‌شده این سازمان را در مورد وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی مشخص نماییم.

۱-۳. چکیده گزارش‌های عفو بین‌الملل در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در عربستان از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲

در گزارش سال ۲۰۰۷ عفو بین‌الملل ضمن اشاره به اصلاحات انجام‌شده توسط عربستان تأکید می‌کند که این اصلاحات تأثیر اندکی در روند بهبود حقوق بشر در این کشور داشته است. در این سال نقض جدید حقوق بشر توسط حکومت، درگیری‌های متعدد علیه گروه‌های مسلح بود که نیروهای امنیتی عربستان افراد به اصطلاح وابسته به گروه‌های مسلح را دستگیر و روانه زندان کردند. جالب این است که مقامات عربستانی به افشای اطلاعات یا هویت این افراد مبادرت نورزیدند و اتهامات و نحوه محاکمه آن‌ها نیز نامعلوم ماند. منتقدان دولت در بازداشت طولانی مدت بدون تفهیم اتهام یا محاکمه قرار داشتند. شکنجه و خشونت علیه زنان و کارگران مهاجر در این سال همچنان ادامه داشت و حدود ۳۹ نفر نیز به مجازات مرگ محکوم شدند. (Amnesty International, 2007)

بر اساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل در سال ۲۰۰۸ در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در عربستان، وضعیت حقوق بشر همچنان وخیم باقی ماند. اگرچه در این سال از سوی دولت به‌کارگیری اصلاحات قانونی اعلام شد و مباحث فراگیری درباره حقوق زنان ادامه داشت، اما چند صد نفر از افرادی که مظنون به تروریسم بودند دستگیر و در مکان نامعلومی محبوس شدند. هزاران نفر از افراد دستگیرشده سنوات قبل همچنان در زندان به سر می‌بردند. دستگیر-شدگان شامل زندانیان سیاسی و عقیدتی و طرفداران صلح‌مدار اصلاحات سیاسی بودند. زنان همواره از تبعیض شدید در قانون و عمل رنج می‌بردند. همچنین طبق روال گذشته شکنجه و

سایر بدرفتاری‌ها با زندانیان و بازداشت‌شدگان مثل قطع عضو ادامه داشت و حداقل ۱۵۸ نفر از جمله یک کودک اعدام شدند. (Amnesty International, 2008)

همچنین بر حسب گزارش عفو بین‌الملل در سال ۲۰۰۹، هزاران نفر از مردم بدون محاکمه و به عنوان افراد مظنون وابسته به تروریسم در زندان‌ها به سر می‌بردند و بیش از چند صد نفر نیز بازداشت شدند. فعالان حقوق بشری و منتقدین صلح‌مدار دولت بازداشت یا در زندان باقی ماندند. در این سال آزادی بیان، مذهب، تشکل و تجمع به شدت محدود شد. زنان در وضعیت مناسبی قرار نداشتند و کارگران مهاجر مورد سوءاستفاده و استثمار قرار گرفتند. پناهندگان و پناهجویان از مراقبت‌های کافی برخوردار نشده، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها با زندانیان به صورت گسترده و نظام‌مند ادامه داشت. همچنین مجازات اعدام به شکل فراگیر و به شیوه تبعیض‌آمیز علیه کارگران مهاجر کشورهای درحال توسعه، زنان و مردم فقیر ادامه پیدا کرد و حداقل ۱۰۲ نفر اعدام شدند. (Amnesty International, 2009)

عفو بین‌الملل در گزارش سال ۲۰۱۰، می‌نویسد: مقامات عربستانی طیف گسترده‌ای از اقدامات سرکوبگرانه را برای سرکوب آزادی بیان و دیگر فعالیت‌های مشروع، علیه مردم کار بستند. صدها نفر از مردم به عنوان تروریست‌های مظنون دستگیر شدند و هزاران نفر دیگر به بهانه حفظ امنیت در زندان‌ها باقی ماندند. زنان همچنان با تبعیض‌های شدید از لحاظ قانونی و اجتماعی روبرو بودند و دولت اقدامات اندکی را برای مقابله با تبعیض گسترده علیه زنان و به‌ویژه کارگران خارجی انجام داد. شیعیان به دلیل انجام فرایض مذهبی مورد حمله قرار گرفتند و حقوق پناهندگان و مهاجران نقض شد. شکنجه و دیگر بدرفتاری‌ها با زندانیان به روال گذشته ادامه داشت و مجازات مرگ به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت؛ بنابراین، حداقل ۶۹ نفر، از جمله دو مجرم نوجوان اعدام شدند. (Amnesty International, 2010)

طبق گزارش عفو بین‌الملل در اوایل سال ۲۰۱۱، مقامات عربستانی موج جدیدی از سرکوب را علیه تظاهرات مردمی دموکراسی‌خواهانه به راه انداختند. بسیاری از مردم به عنوان تروریست دستگیر شدند و هزاران نفر از مردمی که در دهه گذشته بازداشت شده بودند همچنان در زندان باقی ماندند. در میان بازداشت‌شدگان مدافعان حقوق بشر، فعالان صلح‌مدار، خواهان اصلاحات سیاسی و اعضای اقلیت‌ها، وجود دارد. بسیاری از آنان بدون تفهیم اتهام یا محاکمه برای سال‌ها در زندان باقی مانده‌اند و برای مدت طولانی نه تنها دسترسی به وکیل نداشته‌اند، بلکه حتی از دیدار با خانواده‌های خود محروم هستند. این زندانیان شکنجه می‌شوند و صدها نفر از آن‌ها به طور مخفی محاکمه شدند و برخی نیز به مرگ محکوم شدند. (Amnesty International, 2011)

عفو بین‌الملل در گزارش خود در سال ۲۰۱۲ در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در عربستان می‌نویسد: تظاهرات برنامه‌ریزی شده مردم با الهام از حوادث دیگر کشورهای منطقه بی‌رحمانه توسط حکومت سرکوب شد و صدها نفر از معترضین دستگیر شدند که برخی از آن‌ها به

اتهامات سیاسی و امنیتی، محاکمه شدند. هزاران نفر از افراد مظنون به تخلفات امنیتی در زندان باقی ماندند و مورد مجازات‌های بی‌رحمانه‌ای همچون تحمل شلاق قرار گرفتند. زنان و دختران در وضعیت نابسامانی به سر می‌بردند. مبارزه برای احقاق حقوق زنان منجر به دستگیری برخی از افراد و همچنین پیشرفت‌های بعضاً اندک شد. در ضمن، کارگران خارجی توسط کارفرمایان خود مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و حدود ۸۲ زندانی اعدام شدند. (Amnesty International, 2012)

۴. کاستی‌ها و نواقص بررسی‌های عفو بین‌الملل در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در عربستان

در قالب شالوده‌های نظری نسل اول حقوق بشر، سازمان عفو بین‌الملل همواره در گزارش‌های منتشره خود، تخلفات حکومت عربستان سعودی را در زمینه سلب آزادی‌های اساسی تبیین و تفهیم کرده است. عفو بین‌الملل با ذکر شاخص‌های عینی و بیرونی و مشخص کردن زمان و مکان تخلفات صورت گرفته سعی در به تصویر کشیدن موارد نقض حقوق مدنی و سیاسی داشته است. معمولاً بیش‌ترین مانور عفو بین‌الملل در این باره در این حوزه‌ها جای می‌گیرند: نقض آزادی بیان و مطبوعات، نقض آزادی عقیده، مذهب، تجمع و تشکل، نقض آزادی‌های علمی و فرهنگی، بازداشت‌های خودسرانه، محاکمات ناعادلانه، مداخله در زندگی خصوصی افراد، خانواده‌ها یا خبرنگاران، وضعیت نامشخص مفقودشدگان و عدم توانایی مردم در تغییر حکومت، شرکت در انتخابات و سطح بسیار پایین مشارکت سیاسی، وضعیت نامطلوب زندانیان سیاسی و غیره.

به همین منوال عفو بین‌الملل در چهارچوب مبانی مفهومی نسل دوم حقوق بشر و تجزیه و تحلیل قصور حکومت عربستان در توانایی خلق شرایطی که در آن تضادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به حداقل ممکن برسند، موفقیت‌های به مراتب کمتری از لحاظ کمی و کیفی نسبت به نسل اول داشته است. در این باب، سازمان بررسی‌هایی درباره فرایند استاندارد نبودن نظام قضایی عربستان، تبعیض‌های اجتماعی به‌ویژه تبعیض‌های همه‌جانبه آموزشی، شغلی و روانی علیه اقلیت شیعه، وضعیت بسیار نامناسب اقتصادی، اجتماعی- کاری کارگران مهاجر و تبعیض‌های غیرانسانی علیه زنان و دختران و همچنین وضعیت نامناسب کار اجباری کودکان و غیره داشته است.

اما به جرئت می‌توان مدعی شد که حلقه مفقوده بررسی‌های عفو بین‌الملل در مورد وضعیت حقوق بشر در پادشاهی عربستان، موارد نقض حقوق همبستگی (نسل سوم حقوق بشر) در این کشور از جانب حکومت است. هر چند سازمان در ارزیابی تخلفات دولت در زمینه حقوق مدنی- سیاسی و اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی دستاوردهای نسبتاً موفقیت‌آمیزی داشته است، اما در زمینه مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی برای ارتقا و رشد صلح و امنیت منطقه‌ای،

کمک به توسعه پایدار بین‌المللی و غیره فاقد بررسی‌های جامع و مانع است. کمک به ترویج همه‌جانبه سلفی‌گرایی، دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای در خاورمیانه، کمک‌های نظامی و اقتصادی به گروهک‌های تروریستی در سوریه و عراق، ممانعت از اجرای اصلاحات دموکراتیک در برخی از رژیم‌های اقتدارگرا منطقه نظیر بحرین و غیره از جمله مواردی است که اگر خسارت‌های ناشی از آن‌ها برای جامعه بشری بیشتر از ضایعات حقوق بشری در داخل کشور عربستان نباشد، کمتر هم نیست. از این لحاظ باید تحقیقات عفو بین‌الملل را در مورد تحلیل و تدقیق در تخلفات انجام‌شده حقوق بشری دو نسل اول از جانب حکومت عربستان سعودی را در مقایسه با نسل سوم (که اشاره‌ای به آن نشده) تکریم کرد و غفلت این سازمان غیردولتی در ارزیابی موارد نقض فزاینده حقوق همبستگی را یادآور شد.

نتیجه‌گیری

بررسی علمی و دقیق تخلفات حقوق بشری دولت عربستان سعودی، از یک سو مستلزم درک عمیق محدودیت‌های وضع‌شده بر مردم، رفتار نامناسب حکومت با اقلیت‌های اجتماعی، سرکوب انجمن‌های آزادی‌خواه و صلح‌مدار و غیره در داخل کشور عربستان و درعین حال توجه به بی‌احترامی پادشاهی عربستان به استانداردها، هنجارها و ارزش‌های رایج برای حفظ صلح و توسعه پایدار در عرصه بین‌المللی از سوی دیگر است. در این پژوهش سعی شد ضمن بررسی این موارد، عملکرد سازمان غیردولتی عفو بین‌الملل در مورد رصد تحولات حقوق بشری در عربستان سعودی با عنایت به مفروضات فوق به محک گذاشته شود. از این حیث با تجزیه و تحلیل گزارش‌های منتشرشده عفو بین‌الملل درباره عملکرد حکومت عربستان سعودی در نقض حقوق بشر می‌توان متوجه نکاتی چند شد. عفو بین‌الملل در بررسی‌های خود موارد نقض حقوق بشر را از دیدگاه مبانی مفهومی دو نسل اول حقوق بشر (داخل کشور عربستان)؛ همچون سلب انواع آزادی‌های سیاسی و مدنی و نقض حقوق اجتماعی- اقتصادی، کارنامه قابل‌قبولی ارائه داده است، اما این سازمان بین‌المللی غیردولتی در ارتباط با بررسی تخلفات دولت عربستان در جامعه بین‌المللی که به همبستگی، اتحاد، انسجام و هماهنگی منطقه‌ای ضربات سختی را وارد آورده، بی‌توجه بوده است. این تخلفات که در ذیل نسل سوم حقوق بشر قابل‌بررسی است، سالیان متمادی هزینه‌های گزافی را بر دوش مردم و دولت‌های منطقه خاورمیانه تحمیل کرده است. آل سعود در سال‌های اخیر از هیچ‌تلاشی برای حمایت مالی و عقیدتی از جریان‌های تکفیری، حمایت از دیکتاتورهای منطقه، بر افروختن آتش جنگ داخلی در عراق، و غیره که به برخی از آن‌ها در اثنای مقاله اشاره شد، دریغ نورزیده است؛ بنابراین، بررسی‌های عفو بین‌الملل در ارتباط با رصد نقض حقوق بشر از جانب دولت عربستان

سعودی، جنبه تک‌بعدی و ناقص دارد و مطابق با استانداردهای نظری و عملی هر سه نسل اول حقوق بشر نیست.

کتاب‌نامه

۱. احمدیان، حسن؛ زارع، محمد، (۱۳۹۰)، «استرتژی عربستان سعودی در برابر خیزش‌های جهان عرب»، فصلنامه ره نامه سیاست‌گذاری، تهران، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال ۲، شماره ۲، صص، ۷۵-۹۸.
۲. اسدی، بیژن، ۱۳۹۰، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ ۴.
۳. باقی، مریم، (۱۳۸۹)، «نسل‌های تازه حقوق بشر در راه است»، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، تهران، سال ۱، شماره ۷، صص، ۱-۳.
۴. بهمنی قاجار، محمدعلی، (۱۳۹۰)، «تحولات بحرین از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، تهران؛ موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص، ۱-۱۹.
۵. حمیدی، ناصر، (۱۳۹۱)، «عربستان کانون نقض حقوق بشر»، روزنامه ایران، سه‌شنبه ۳۰ خرداد.
۶. روزنامه رسالت، (۱۳۹۱)، «عربستان بزرگترین حمایت‌کننده مالی تروریست‌ها در دنیا است»، سه شنبه ۲۴ بهمن، سال ۲۸، شماره ۷۷۵۷.
۷. بهنیان، پیمان، (۱۳۹۱)، «نگاهی به نقض حقوق زندانیان در عربستان»، روزنامه رسالت، سه شنبه ۲ آبان.
۸. پایگاه اینترنتی پرسمان دانشجویی، (۱۳۹۳/۱۲/۲۳)، «عربستان و صادرات تروریسم به جهان»، در سایت:
<http://www.vahabiat.porsemani.ir/content>
۹. پایگاه تحلیلی خبری سیر نیوز، (۱۳۹۲/۰۵/۱۸)، «سایه سنگین سکوت غرب بر نقض حقوق بشر در عربستان»، در سایت:
<http://seirnews.com/fa/news/12880>
۱۰. پایگاه تحلیلی و اطلاع رسانی مرصوص، (۱۳۹۱/۰۹/۲۷)، «نمایی از فقر، شکاف طبقاتی و نقض حقوق بشر در عربستان»، در سایت:
<http://www.antilusifer.com/shownews.aspxid=1258>
۱۱. پایگاه خبری رادیو ایران-ازبکستان، (۱۳۹۱/۱۱/۲۷)، «سخت‌گیری آل سعود بر مردم و زندانیان سیاسی در عربستان»، در سایت:
<http://uzbek.irib.ir/persian/new>

۱۲. شهوند، شهرز، (۱۳۸۹/۰۵/۱۹)، «آشنایی با سازمان عفو بین‌الملل»، پایگاه اینترنتی ستاد حقوق بشر (وابسته به قوه قضاییه)، در سایت:

<http://www.humanrights-iran.ir/news.aspx?id=16588>

۱۳. عبداللهی فرد، محمدرضا، (۱۳۹۰)، «نقض فزاینده حقوق زنان در عربستان»، روزنامه ملت ما، سه شنبه ۱۶ اسفند.

14. Alalam news network (2013), “**Poverty in oil-rich Saudi Kingdom on rise**”, <http://en.alalam.ir/news/1502293>, 26/12/2013.

15. Amnesty international (2007), “**World report: Saudi Arabia**”, /saudi-arabia-riyadh-<http://www1.umn.edu/humanrts/research/saudiarabia/NGO-reports.html>, 18/08/2013

16. Amnesty international (2008), “**World report: Saudi Arabia**”, <http://www.amnesty.org/en/region/saudi-arabia/report-2008>, 08/12/2014.

17. Amnesty international (2009), “**World report: Saudi Arabi**”, <http://www.amnesty.org/en/region/saudi-arabia/report-2009#>, 14/05/2014.

18. Amnesty international (2010), “**World report: Saudi Arabi**”, <http://www.amnesty.org/en/region/saudi-arabia/report-2010>, 24/02/2014.

19. Amnesty international (2011), “**Saudi Arabia: Repression in the name of security**”, <https://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE23/016/2011>, 19/02/2014.

20. Amnesty international (2012), “**World report: Saudi Arabi**”, <http://www.amnesty.org/en/region/saudi-arabia/report-2012>, 16/11/2014.

21. Bertelsmann Stiftung's transformation index (BTI) (2012), “**Saudi Arabia country report**” http://www.google.com/#bav=on.2,or.r_qf.&fp=7033c00f88795d1f&q=situation+of+parties+in+saudi+arabia%2Bpdf, 15/09/2013.

22. **Cia world fact book** (2008), <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/sa.html>, 05/06/2014.

23. Country Reports on Human Rights Practices for United States Department of State Bureau of Democracy, Human Rights and Labor (2011), “**Saudi Arabia**”, <http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=country%20reports%20on%20human%20rights%20practices%20>, 22/09/2013.

24. EU- GCC Civil Society Conference (2008), “**Civil Society and Human Rights in Saudi Arabia Status and Future Prospects**”, <http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=position+of+NGO+IN+Saudi%20>, 23/05/2014.

25. FIDH and the Egyptian Organization for Human Rights (2003), “**Migrant workers in Saudi Arabia**”, <http://www.google.com/#fp=c856fd1c531de560&psj=1&q=Migrant+workers+in+SAUDI+ARABIA>, 21/02/2013.

26. Human Rights Watch (2007), “**World report 2007: Saudi Arabia**” <http://hrw.org/englishwr2k7/docs/2007/01/11/saudi14717.htm>, 26/07/2014.

27. Human Rights Watch (2008), “**World report 2008: Saudi Arabia**”
<http://www.hrw.org/englishwr2k8/docs/2008/01/31/saudia17618.htm>,
21/11/2013.
28. Human Rights watch (2012), “**World report 2012: Saudi Arabia**”,
<http://www.hrw.org/world-report-2012/world-report-2012-saudi-arabia>,
09/10/2014.
29. Millennium Development Indicators: **World and Regional Grouping**
(2008),
http://mdgs.un.org/unsd/mdg/Host.aspx?Content=Data/Regional/asia_western.htm,
21/12/2013.
30. Observatory for the protection of human rights defenders (2011), “**Saudi Arabia**”
annual report 2011,
<http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=SAUDI+ARABIAobservatory+for+the+protection+of+human+rights+defenders+annual>, 21/11/2013.
31. **The Equal Rights Trust's Saudi Arabia country overview** (2008),
<http://www.equalrightstrust.org/view-subdocument/index.htm?id=115>,
23/05/2014.
32. Rezai, Ramin, (1998), “**Generation of Rights**”,
http://www.google.com/#bav=on.2,or.r_qf.&fp=7033c00f88795d1f&q=r